

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

بررسی سبک شناسانه غزلیات خاقانی شروانی

(ص ۳۸۹-۳۶۹)

زینب نوروزی (نویسنده مسئول)^۱، فاطمه محسنی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده:

خاقانی از شاعران دوره تحول غزل و صاحب سبک است. از مشخصه‌های سبک او که وی را در شمار شاعران بزرگ فرمالیست شعر فارسی قرار میدهد، توجه ویژه به صورت و فرم است. گستره وسیع اطلاعات علمی و تسلط او بر فنون ادبی، همچنین نگاه تازه و متفاوت او به طبیعت به سبک او تشخیص خاصی بخشیده است. بطور کلی در مورد سبک خاقانی باید دانست او شاعر است نوآور که هم از نظر مضمون و هم از نظر زبان، ترکیبات، استعارات و تشبیهات تازه دارد. در سخن او آثار تکلف مشهود است و صنایع شعری و تناسب لفظی را به حد وسواس مراعات میکند. غزلیات خاقانی در سیر تکاملی غزل بی تاثیر نبوده و از نظر وحدت موضوع و دارا بودن شرایط غزل از غزلیات خوب قرن ششم است. لازم به ذکر است با وجود اهمیت و جایگاه ویژه این قالب ادبی در دیوان خاقانی، تا کنون هیچ پژوهش سبک شناسانه مستقل و منسجمی در باب آن صورت نگرفته است؛ بدین منظور این پژوهش در سه سطح فکری، ادبی و زبانی غزلیات خاقانی را بر مبنای آمارهای دقیق تحلیل میکند. بررسی این غزلیات قوت اندیشه و مهارت شاعر را در بیان الفاظ و خلق معانی و ابتکار مضامین جدید نشان میدهد.

کلمات کلیدی: غزلیات خاقانی شروانی، سبک شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری

^۱استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند zeynabnowruzi@birjand.ac.ir

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی

مقدمه :

خاقانی در تکامل غزل سهمی بسزا داشته و در غزل‌های خویش به توصیف خصوصیات و حالات عاشق و بیان مضامین مختلف پرداخته است. مشخص کردن تعداد واقعی غزلیات خاقانی آسان نیست. علت اینکه درباره غزلیات او تاکنون کار خاصی انجام نشده شاید به این دلیل باشد که به نظر برخی از محققان، این اشعار در برابر قصاید او کم فروغ است. اما اینگونه نیست و خاقانی مانند قصاید بی نظیر خود در آفرینش غزلها هنر بالای خود را در غزل سرایی به نمایش گذاشته است. او شاعر اندیشه است اما در کنار اندیشه برای اینکه سخنان خود را بیاراید و زیباتر نماید از تمام شگردهای ادبی بهره جسته است و برای آراستن سروده‌ها بویژه غزلیات خود از آن استفاده کرده است. با نگاهی به متون سبک‌شناسی باید گفت که خاقانی از شاعران فرمالیست است. بسیار به صورت و فرم شعر توجه دارد. ذهن خلاق و قدرت تخیل او مانع از این می‌شود که دریافت و مقصود خود را ساده و ابتدایی بیان کند؛ از این رو دست به ابداعاتی در عرصه خلق ترکیب‌های جدید می‌زند که برخی از آنها تا زمان خودش بی سابقه بوده است.

لحن او در اکثر غزلیاتش حزین و اندوه بار است؛ از این رو اوزان غزل او چندان نشاط آور، خیزی و رقصان نیست. دو سوم وزن غزل‌هایش سنگین و آرام است که گاه این سنگینی غزلش را از حوزه شعر غنایی دور می‌کند.

شهرت خاقانی در عرصه غزل تا حدودی یک استثناست. اصالت وی در شیوه گفتار و طرز تعبیر و توانگری در آفرینش ترکیبات بدیع و ردیف‌های دلنشین، او را هدف توجه گویندگان بزرگ مثل: مولانا، سعدی، عطار و خواجه شیراز قرار داده است.

این پژوهش بر اساس روش سبک‌شناسی متون دکتر شمیسا و در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

الف: سطح زبانی (Language Level)

زبان شعری او مبتنی بر لغت سازی و ترکیب سازی و تعبیرهای بدیع و بکارگرفتن مفاهیم مجازی و کنایه فراوان است چنانکه میتوان گفت او از این جهت بر اکثر شاعران فارسی زبان مزیت دارد. محسوس ترین ویژگی زبان خاقانی پیچیدگی آنست چنانکه فهم بسیاری از ابیات را دشوار می‌سازد. گاه خاقانی از اوزان، معانی و تعبیراتی استفاده میکند که چندان مناسب قالب غزل نیست همچنین در مواردی ناگهان پس از بیتی لطیف بیتی ناهموار سروده است که از هیچ روی با بیت قبل از خود تناسب و هماهنگی ندارد و باعث ایجاد ضعف و سستی در غزلش و در نتیجه دور شدن این قالب شعری از لطافت و ظرافت خاص خود میشود. این پستی و بلندی ابیات و عدم هماهنگی، یکی دیگر از مشخصه های زبانی غزل اوست.

در این بخش غزلیات شاعر در سه سطح آوایی، لغوی و نحوی بررسی میشود؛

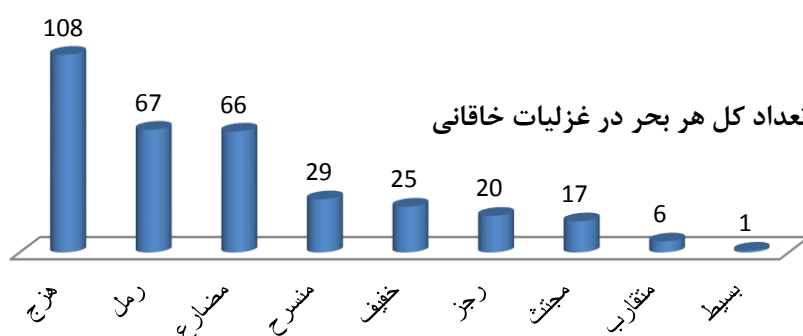
۱. سطح آوایی (موسیقایی)

سطح موسیقایی و آوایی مجموعه مناسبتهای وزنی ، قافیه ، ردیف و آرایه های لفظی است که در القای پیام شاعر و یا تقویت عاطفه های او نقش موثر دارد .

موسیقی بیرونی (وزن)

خاقانی در غزلیاتش بیشتر گرایش به کاربرد اوزان بلند داشته است و تنها ۱۰۹ بار (۳۲/۱٪) از وزنهای کوتاه که ضربی و تند و پرحرکتند استفاده کرده است . این بحر ها به ندرت سالم و بیشتر مزاحف و به صورت مثنی و مسدس است . پرکاربردترین وزن در غزلیات او بحر مضارع مثنی اخب مکفوف محذوف است . از بحر مضارعو هزجکه از اوزان پر استعمال شعر فارسی است ، زیاد استفاده کرده است . با بررسی و تحلیل بحرهای مذکور مشخص میشود که ۱۲۵ غزل را به صورت مسدس و تعداد ۲۱۴ غزل را به صورت مثنی سروده است .

۲۳ بحر مورد استفاده در ۳۳۹ غزل خاقانی در زیر از پرکاربردترین تا کم کاربردترین بحر به ترتیب بیان شده است :



ردیف	بحر	تعداد	ردیف	بحر	تعداد
۱	مضارع مثنی اخب مکفوف محذوف	۴۴	۱۳	رجز مثنی سالم	۱۱
۲	هزج مسدس اخب مقبوض محذوف	۳۱	۱۴	منسرح مثنی مطوی منحور	۱۱
۳	خفیف مسدس مخبون	۲۵	۱۵	هزج مثنی سالم	۱۰
۴	رمل مسدس محذوف	۲۵	۱۶	هزج مسدس اخب مقبوض	۱۰
۵	هزج مسدس محذوف	۲۲	۱۷	رجز مثنی مطوی مخبون	۹

۶	مضارع مثنیٰ اُخرب	۲۲	۱۸	مُتقارب مثنیٰ سالم	۶
۷	رمل مثنیٰ محذوف	۲۱	۱۹	رمل مثنیٰ مشکول	۵
۸	هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف	۲۰	۲۰	رمل مثنیٰ مخبون محذوف	۴
۹	منسرح مطوی مکشوف	۱۸	۲۱	مجتث مثنیٰ مخبون	۲
۱۰	مجتث مثنیٰ مخبون محذوف	۱۵	۲۲	هزج مثنیٰ مکفوف محذوف	۱
۱۱	هزج مثنیٰ اُخرب	۱۴	۲۳	بسیط مخبون	۱
۱۲	رمل مسدس مخبون محذوف	۱۲			
				جمع	۳۳۹

در این غزلیات شاعر وزن را انتخاب نمی‌کند بلکه از نفس موضوع آنرا الهام می‌گیرد. "شاعران واقعی هرگز بر مبنای وزن از قبل تعیین شده شعر نمی‌گویند." (بررسی منشا شعر فارسی، وحیدبان کامیار ص ۹۷). لحن خاقانی در غزلیاتش حزن انگیز و اندوهناک است؛ در مجموع وزنهای سنگین و آرام که مناسب مضامین عاشقانه و غم و اندوه است، بیش از دو سوم (۶۷/۹٪) از غزلیات خاقانی را شامل می‌شود که نسبت به وزنهای تند و ضربی بسامد بیشتری دارد.

۲-۱ موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

قافیه:

استعمال قافیه های ساده و به دور از تکلف از مهارت و دقت این شاعر در آفرینش سروده هایش خبر میدهد. کلمات قافیه در عین سادگی و دارای بیشترین اشتراکات واجی است و با وجود تفاوت، قرابت و شباهتی را در قالب آهنگ یکنواخت و موزون در ذهن تداعی میکند که باعث گوش نوازی و غنای موسیقی نیز میشود. انتخاب قافیه و ردیف های پرطمطراق و محکم و استوار بیش از معنا توجه خواننده را به صورت و ظاهر آن جلب میکند. خاقانی علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا و موزون به محتوای سخن خویش توجه دارد و این به خاطر آگاهی او از علوم زمان خویش است.

ردیف:

خاقانی از تاثیر موسیقی کناری بر غنای موسیقی شعر آگاه است به همین خاطر از ردیفهای طولانی و بویژه فعلی بهره می‌گیرد تا علاوه بر ایجاد جنبش و پویایی بیشتر در شعر به اهداف معنایی و محتوایی خود نیز دست یابد. ردیفها گاه حروف و ضمائر و گاه شبه جمله و فعل و عبارات فعلی

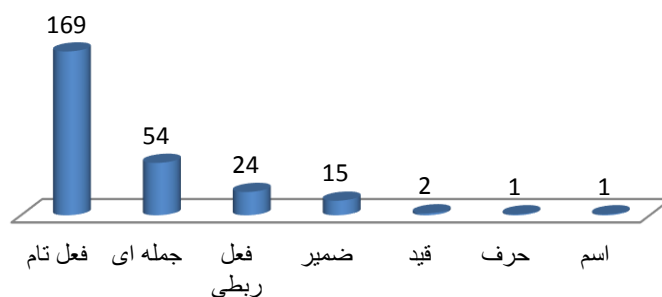
است که ردیفهای فعلی بویژه افعال تام بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. "ردیفهای فعلی به فضای شعر، پویایی و حرکت میبخشند و در مقابل ردیفهای اسمی و حرفی سبب ایستایی شعر میشوند." (ص ۴۱۲) اگرچه رعایت التزام ردیف گاهی باعث کم‌رنگ شدن لطافت غزل او شده با این وجود ضعف عدم خیزایی بودن ریتم و موج بودن آهنگها را همین ردیفهای فعلی که موجب استواری قافیه و تنوع صورخیال است جبران میکند

به نظر دکتر شفیعی کدکنی «یکی از نقشهای ردیف، تأثیری است که در ایجاد تعبیرات خاص زبان شعر، و توسعه مجازها و استعاره‌ها دارد.» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ۱۴۲) موسیقی کناری در شعر خاقانی بسیار غنی است و این نکته را از هماهنگی ردیف با موضوع غزل و همچنین همسانی ردیف با قافیه در یکی از واکها به روشنی میتوان دریافت.

نی دست من به شاخ وصال تو بررسید
نی وهم من به وصف خیال تو دررسید
(دیوان/ ۳۰۹)

۲۶۶ مورد از غزلیات او مردف است (۷۸/۲٪) و ۱۹۴ مورد از غزلهای مردف شاعر ردیف فعلی دارد. (۵۷/۲٪) و ۷۳ غزل دیگر مقفا میباشد ۲۱,۶٪.

انواع ردیف در غزل خاقانی



۳-۱ موسیقی درونی

-تکرار کلمه

تکرار اگرچه گاهی باعث اطناب، ملال آوری و خستگی روح میشود اما بیان بجا و هنرمندانه آن در بیت بر زیبایی موسیقی شعر میافزاید. «تکرار در زیبایی شناسی هنر از مسائل اساسی است؛ صداهای غیر موسیقایی و نامنظم که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میشود.» (شمیسا، نگاهی تازه به بدیع؛ ۸۹) بسامد بالای صنعت تکرار بیانگر این نکته است که شاعر

خواسته با آهنگین نمودن هرچه بیشتر کلام بر لطافت و گوش نوازی شعرش بیافزاید . از تعداد ۲۷۳۰ بیت غزلیات او در ۳۸۲ مورد تکرار وجود دارد . یعنی ۱۴٪
عزیز بودی چون عمر و همچو عمر برفتی چو عمر رفته زدستم ، ندانم آنکه کی آیی
(دیوان /۶۹۴)

-جناس

انواع جناس تام ، افزایشی و اشتقاقی در غزلیات خاقانی بکار رفته که بیانگر وسعت دامنه لغات و توجه شاعر به زیبایی لفظی است و باعث غنای موسیقی شعر نیز شده است .
جناس تام :

خستگی سینه ما را خیالت مرهم است ای به هجران خسته ما را خسته را مرهم فرست
(دیوان /۵۶۲)

که بجز ۱۴ مورد (۵۱/۰٪) جناس تام ، ۲۵۷ مورد از انواع دیگر جناس در غزل او وجود دارد .
جناس افزایشی : آواز ، آوازه - ناف ، نافه و ...
جناس اشتقاقی : جان ، جهان - کمان ، کمین - سایه ، همسایه و ...
نغمه حروف (هم حروفی و هم صدایی) :

علاوه بر تکرار و جناس آنچه موجب اعجاز موسیقی در غزلیات خاقانی شده ، صنعت هم حروفی و هم صدایی کلمات و واج هاست .

از گل سرخ رسته‌ای ، نرگس دسته بسته‌ای نرخ شکر شکسته ای ، پسته دهان کیستی
(دیوان /۶۹۷)

صامت "س" ۸ بار تکرار شده که بر موسیقی کلام افزوده است .

دیدی که یار چون ز دل ما خبر نداشت ما را شکار کرد و بیافکند و بر نداشت
(دیوان /۶۴۰)

مصوت " الف " ۷ بار و صامت " د " ۷ بار تکرار شده است .

-تنسیق الصفات : ۴۳ مورد (۱/۵۷٪)

ترک سن سن گویِ توسنِ خویِ سوسن بویِ من گر نگه کردی به سوی من نبردی سوی من
(دیوان /۶۵۰)

-تضاد : ۲۳۰ مورد (۸/۴۲٪)

تا من پی آن زلف سرافکنده همی دارم چون شمع گهی گریه و گه خنده همی دارم
(دیوان /۶۴۵)

-طرد و عکس :

خاقانی خود را مغلوب صنایع بدیعی نساخته اما آنها را در شعرش بکار برده است. سخن او سخنی است آراسته و گهگاه خود را به تکلف انداخته است. در مجموع بیتها ۲۱ مورد (۰/۷۷٪) طرد و عکس وجود دارد.

یاقوت هست زاده خورشید نی مگوی خورشید هست زاده یاقوت احمرت
(دیوان/۵۶۴)

-قافیه درونی :

شاعر از قافیه درونی در ۴۹ بیت بهره برده است حدود ۱/۸٪ و توانسته با استفاده از این عنصر موسیقایی عواطف و احساسات لطیف خود را به تصویر بکشد.

نوری و نهان از من ، حوری و رمان از من بوس از تو و جان از من ، بازار چنین خوشتر
(دیوان/۶۱۸)

۲. سطح لغوی :

از ویژگیهای سبک آذربایجانی خلق ترکیبات نو و بدیع با استفاده از صور خیال است. " شعر خاقانی (۵۹۵ - ۵۲۰ ه ق) تندبسی سترگ و زیباست از هنرمندی او در عرصه صورت و معنا؛ از جمله این آفرینش های هنری ، میتوان به اختراع تعبیرات تازه در کارگاه پر رونق شعر او اشاره کرد. " (سیری در شعر فارسی ، زرین کوب : ص ۶۱) . وی در عرصه ترکیب سازی از شاعران برجسته و کم نظیر شعر کلاسیک فارسی است. شاید به نوعی برای تفاخر و نشان دادن توان بالای خود در شاعری دست به ابداعاتی زده است و به منظور برجسته ساختن مصرع یا بیتی شاعر گاه معنایی وسیع را در ترکیبی کوتاه میگنجاند تا به کلامش ایجاز بیشتری ببخشد. او در این میان قهرمانی بی بدیل است که از یک واژه صدها ترکیب متفاوت آفریده است. " کمتر بیتی از ابیاتش را میتوان دید که بر یک یا چند ترکیب تازه مشتمل نباشد و شاید اگر دیوانش را فرهنگ جامع لغات ادبی محسوب دارند ، عمده برائت او در ترکیب مفردات است و او را در این زمینه دقایقی است که هیچ کس از پیروانش بدان دست نیافته و بدین جهت از عهده تقلید سبک او چنانکه باید و شاید برنیامده اند. " (سخن و سخنوران ، فروزانفر: ص ۱۳۵) . نفوذ واژه های عربی در شعر این دوره به مراتب بیشتر است. در غزلیات خاقانی ۹۶ عبارت و واژه عربی بکار رفته است ؛ در حدود ۳/۵۱٪.

گفتا به حضرت او گر حاجتی است بگو گفتم که هست بلی اما الیک فلا
(دیوان/۵۴۹)

ماحضری ، عفی الله ، معاذالله ، علم الله ، لعب ، زلفین ، سبحانه تعالی ، حق النار ، عین الکمال ، فرس ، لاجرم ، بوالعجب ، عسعی ، الصبوح ، نعل ، مسمار ، من یزید ، نسر طائر ، ساقی القیاس و... همانطور که مشاهده میشود شاعر از آوردن عبارات ثقیل و مهجور عربی خودداری کرده به علاوه شاعر ۹ غزل ملمع نیز دارد یعنی ۲/۶۵٪.

به سبب استمرار حکومت ترکان در ایران و وجود غلامان و کنیزان ترک در میان مردم واژه های ترکی به زبان فارسی راه یافته است. قز، ترک سن سن گو و ... در جای جای دیوان او و به ویژه درغزلها با اصطلاحات فرهنگ مسیحی روبرو می شویم و تاثیر مذهب پیشین مادر بر اشعار خاقانی براحتی قابل رویت است. نزدیکی شروان با ارمنستان و ابخاز و همسایه بودن با کشورهای مسیحی نشین آسیای صغیر در استفاده او از کلمات مسیحیت بی تاثیر نبود؛ که تعداد ۱۲ مورد درکل غزلیات او مکرر بکار رفته است.

دیر، صلیب، دم عیسی، مسیحا دم، چلیپا، عودالصلیبو ...

در زمینه لغت سازی و ترکیب سازی و آوردن تعبیرات تازه و اضافات بدیع نیز خاقانی دست به ابداعاتی زده که در حوزه لغوی و بحث هنجارگریزی قرار میگیرد. «هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته میسازد و بر حسب قیاس و گریز از قواعد هنجار واژه ای جدید میآفریند.» (از زبان شناسی و ادبیات، صفوی: ص ۴۶۰)

الف) ابداع واژه های مرکب :

زبان شعری خاقانی مبتنی بر لغت سازی و ترکیب سازی و تعبیرهای بدیع و بکار گرفتن مفاهیم مجازی و کنایه فراوان است. لغات و ترکیبات تازه و بدیع که با پسوند و پیشوند و ترکیب سایر کلمات با همدیگر ساخته شده، در غزل او به چشم میخورد.

مثال: سیه رو، تنگ میدان، شمع پیکر و ...

ب) ابداع واژه های اشتقاقی :

خاقانی در خلق واژه ای اشتقاقی نو طبعی توانمند دارد و از این ویژگی زایای زبان با افزودن پسوند در ادای مقصود خود بیشترین بهره را برده است.

مثال: نمکستان، دلستان، عشقدان، دستارچه، شکرستان، دلشدگان، دادستان و ...

جان در تب است از آن شکرستان لعل خویش
از بهر تب بریدن جان نیشکر فرست
(دیوان؛ ص ۵۵۹)

۳. سطح نحوی :

الف: کاربرد «را» در معنای حرف اضافه: ۳/۵٪ ابیات را شامل میشود.

گفتا به روزگار بیایی وصال ما
منت پذیرم ارچه مرا دلپذیر نیست
(دیوان/۵۶۱)

ب: کاربرد الف اطلاق در آخر فعل: ۰/۸۴٪

گفتا دوئی نجویم وزین خود گذر نکرد
گفتا یگانه باشم وز این خود گذر نداشت
(دیوان/۵۵۸)

ج: رقص ضمیر :

چو عمر رفته به محنت که غم فزاید یادش
به یاد نارمت ایرا که یادگار بلایی
(دیوان/۶۹۵)

د: «ب» در ابتدای فعل :

به یاد سلطنه برخاستی معربد وار
بر آتشم بنشانندی و دور بنشستی
(دیوان/۶۹۰)

ه: استعمال فعل دعایی: ۱۴ مورد یعنی ۰/۵۱٪

میکند از بدخوئی آنچه نکردست کس
گرچه بدی می کند چشم بدش دور باد
(دیوان/۵۸۹)

ی: کاربرد حروف ندا: ۶۳ مورد ۲/۳٪

ای صبح دم ببین که کجا می فرستمت
نزدیک آفتاب وفا می فرستمت
(دیوان/۵۵۷)

اما برجسته ترین ویژگی نحوی که در غزلیات وی مشهود است کاربرد ب در ابتدای فعل میباشد که به دفعات تکرار میشود.

ب (سطح ادبی): (literary level)

بررسی این بعد از غزلیات خاقانی نشان میدهد که وسعت دایره تخیل وتلاطم امواج معانی به ذهن خلاق شاعر اجازه نداده تا آنها راساده وابتدایی بیان کند از این رو با استفاده از تکنیک های بیانی و فنون ادبی بویژه به کمک استعارات وتشبیهات، مضمونهای گفته شده رادر قالب تعبیرات تازه خود میریزد تا صورخیال را زنده تر سازد . ضمن اینکه شاعر اصرار دارد از کلمات ، معانی صریح آنها را اراده نکند .توجه ویژه او به صورت و فرم به اندازه ای است که او را در ردیف دو سه شاعر بزرگ فرمالیست شعر فارسی جای میدهد . ویژگیهای سبک شخصی او هر یک به نوعی در ارتباط با صورت و فرم است . (تصویرگری با شکل واج و واژه، مرتضایی و رعیت حسن آبادی ، ص ۴۵۱) .در اینجا به برخی از این موارد اشاره میشود :

۱.تصویرسازی

شعر تنها حرف و واژه نیست ، بلکه تصویر و نمایشی است که براساس حروف و کلمه صورت میگیرد . شاعر مانند شاعران قبل از خود حرف نمیزند بلکه نمایش میدهد . شاعر گاه صحنه ای را در چند بیت چون تابلویی نقاشی برای خواننده ترسیم میکند تا هم تصویر روشن تری از عواطف و احساساتش را ارائه کند و هم احساس مخاطب را برای درک مقصود به کاوش وادارد . خاقانی علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا ، به معنا و محتوای سخن خود نیز توجه دارد . تصویر آفرینی های زیبایی او در غزل گویای همین مطلب است .او این تصاویر پویا و متحرک را در موارد زیر بکار برده است .

- شیوه زنده‌نمایی محیط (جاندار پنداری)

در غزل خاقانی بسیاری از اعضا یا اشیاء یا بطور کلی موجودات فاقد اراده ، دارای فردیت و استقلال می‌گردند و به رفتار انسانی دست می‌زنند که شاعر با این کار جهان پویا و زنده‌ای را در ذهن مخاطب ترسیم مینماید . ۶۷ مورد - ۲/۴۵٪

در عرضگه عشقش فتنه سپه‌انگیزد در رزمگه زلفش گردون سپر اندازد
(دیوان/۵۷۸)

تصویر سازی به کمک مفاهیم و اصطلاحات علم نجوم

شاعر در غزلیات خود از مفاهیم و اصطلاحات نجوم برای بیان احساسات و عواطف و دریافتهای خود بهره برده است و با تلفیق این اصطلاحات با عنصر خیال تصاویر زیبا و بی بدیلی را خلق کرده است . ۲۷ مورد در حدود ۱٪

گوشوارش به پناه خم زلف خوشه در سایه عقرب چه خوش است
(دیوان/۵۷۱)

مبالغه در تصویر :

شاعر با مبالغه در تصاویر شاعرانه خواسته تا زیبایی معشوق را فراتر از حد تصور جلوه دهد و این را در قالب تشبیه تفضیل نشان داده است و این ناشی از روحیه کمال اندیشی شاعر است ، چرا که معشوق را موجودی دست نیافتنی و زیباییش را آرمانی ترسیم میکند . ۷ مورد - ۰/۲۵٪
روی تو دارد ز حسن آنچه پری آن نداشت حسن تو دارد زملک آنچه سلیمان نداشت
(دیوان/۵۵۹)

تصاویر مینیاتوری :

خاقانی در غزلیات گاه تابلویی مینیاتوری را در قالب الفاظ و تخیلات شاعرانه برای مخاطب به تصویر میکشد . ۹۰ مورد - ۰/۳۳٪
از گل سرخ رسته‌ای ، نرگس دسته بسته‌ای نرخ شکر شکسته‌ای ، پسته دهان کیستی
(دیوان/۶۹۷)

۲. بیان :

در بین صور خیال تشبیه ، استعاره و کنایه پربسامد هستند . گرایش خاقانی به استعاره و کنایه اغلب به خاطر ایجاز در کلام ، بیان حالات لطیف و شاعرانه ، لفظ پردازی و مضمون آفرینی است .

الف : تشبیه

در تشبیهات شاعر به دنبال خلق افقهای معنایی و تصویر سازی های نو و بدیع است ، از این رو هر مضمون برای او از دیدگاههای مختلف عرصه تجربه و خلق جدید واقع میشود ؛ از عناصر بیانی به

انواع تشبیه و استعاره نظر دارد و چون شاعری درس خوانده و مطلع به علوم زمان خود بود ، تشبیهاتش بر مبنای اطلاعات علمی ساخته شده است ؛ از آنجا که ذهن و تخیلی دور پرداز و دقیق دارد گاه وجه شبه های دور از ذهن را بر میگزیند که از علل دشواری فهم شعر او نیز به حساب میآید .

-محسوس به محسوس : ۲۲۴ مورد - ۸/۲٪

ای دُر آبدار چو آبی ز پیچ و خم
در آب شد ز شرم تو صد راه زیر آب
(دیوان/۵۵۴)

-محسوس به معقول : ۳۰ مورد - ۱/۱٪

مار ضحاک است زلفت کز غمش
قصر شادی هر زمانی می کنم
(دیوان/۶۴۱)

-معقول به محسوس : ۱۴۳ مورد - ۵/۲۳٪

عشق اگر چند مرغ صحرایی است
جز به صحرای جان فرو ناید
(دیوان/۵۸۹)

-تشبیه تفضیل :

گفتم هستی چو گل هم خوش و هم بی وفالیک نگفتم که هست گل ز تو خوش بوی تر
(دیوان/۶۱۹)

-تشبیه ملفوف : ۱۱ مورد - ۰/۴٪

از غمزه و لب هر دم ، دریا صفتی با من
گه کشتن من سازی گاهی گهرم بخشی
(دیوان/۶۶۹)

ب: استعاره

ذهن خلاق و سرشار از تخیل شاعر مانع از تقریر ساده معنا میشود . از اینرو به ساختن استعاره های تازه و غریب روی میآورد . چنانکه استعمال استعاره افزون بر تشبیه است ؛ و چون استعاره در شعر از تشبیه تاثیر گذارتر است زیبایی بیشتری به غزلیات داده است .

در استعارات او عناصر ملموس و ذهنی هر دو دخیل است استعارات خاقانی در غزلیات بعید و دور از ذهن نیست چون ژرف ساخت آن مبتنی بر تشبیهات ساده است . ۳۳۶ مورد (۱۲/۳٪) استعاره مصرح ۷۳ مورد (۲/۶۷٪) استعاره مکنیه است ، که عناصر بی روح را در قالب پدیده های زنده و پویا به تصویر کشیده است .

چون شمع ریزم از مژه زردآب آتشین
زان لب که آتش است و غسل می دهد برت
(دیوان/۵۶۴)

در آغوش دو عالم غنچه زخمی نمی گنجد هجوم آورده بر دلها ز بس تاراج مژگانش
(دیوان/۶۲۴)

ج : کنایه

از دیگر عناصر بیان که در غزل خاقانی به وفور یافت میشود ، کنایه است که بسیاری از آنها را از زندگی عادی مردم و از اعتقادات عوام و از رسوم اهل حرفه و پیشه و امثال آن گرفته است . در اکثر موارد کنایه های بکار رفته جز موارد معدودی از نوع ایماست که فهم آن آسان است . در مجموع ابیات وی تعداد ۱۹۱ مورد کنایه حدود ۷٪ وجود دارد .

یا دست بر دلی ز تو یا پای در گلی یا باد در کفی ز تو یا خاک بر سری
(دیوان/۶۸۲)

خاک بر سر بودن : کنایه از بدبخت بودن

۳. معانی :

مضمون اصلی غزل ذکر فراق و محرومی و کام نیابی هاست و در غزل خاقانی غالباً ذکر زیبایی معشوق ، بی وفایی و سنگدلی او و قصه فراق و محنت کشیدن عاشق است . « موضوع علم معانی عمده بررسی جملات از حیث معانی و کاربردهای ثانوی است که متکلم به مقتضای حال مخاطب ایراد کرده است . » (بیان و معانی : شمیسا : ص ۱۱۸)

بدیهی است که محور غزلیات او جملات خبری در معانی ثانوی تائر و اندوه است . که بیشترین جملات را به خود اختصاص میدهد .

در جفا هم جنس عالم بود لیک آنچه او کرد از جفا عالم نکرد
(دیوان/۵۸۱)

پس از جملات خبری ، جملات امری در قالب التماس و ترغیب معشوق برای وصل از بسامد بالای برخوردار است . (۳۰ مورد - ۱/۱۱)

رحم کن رحم ، نظر باز مگیر لطف کن لطف خبر باز مگیر
گیرم آتش زده ای در جانم آخر آبم ز جگر باز مگیر
(دیوان/۶۱۱)

جمله های پرسشی که بیشتر در بیان حالت عجز عاشق و استرحام است بسامد اندکی دارد .
شگرف عاشق خاقانیم تو نام نهادی ز من چه ننگ رسیدت که نام باز گرفتی ؟
(دیوان/۶۷۹)

بدیع معنوی :

الف : تمثیل

خاقانی از صنعت تمثیل فراوان استفاده میکند او استاد تمثیل کوتاه در مصرع دوم است. به همین جهت بسامد کاربرد "که" تعلیلی در شعر او بالاست؛ تمثیل در غزل او دشوار است و درک ربط دو مصراع آسان و مبتذل نیست در مجموع ابیات ۲۳ مورد تمثیل حدود ۰/۸۴٪ وجود دارد.

چون طفل وار جنگ کنی آشتی بکن
کز جنگ طفل زود دمدم بوی آشتی
(دیوان/ ۶۸۰)

ب: تلمیح: استفاده خاقانی از نام شخصیت‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی و تلمیح به داستان زندگی آنها نشان دهنده این مطلب است که شاعر به سرگذشت پیشینیان خود اهمیت میداده و گاهی زندگی و سرنوشت آنها را مایه عبرت میدانسته است. خاقانی از زندگی پیامبران در سروده هایش یاد میکند و بدین گونه اشعارش را به نام آنها می‌آراید. بیش از همه پیامبران به داستانهای مربوط به حضرت عیسی و مریم و سپس سلیمان توجه دارد.

آن خون سیاوش از خم جم چون تیغ فراسیاب درده (دیوان / ۶۶۱)
جام صبوحی ده قوی چون صبح بنمود از نوی
بویی چو باد عیسوی رنگی چو اشک مریمی
(دیوان/ ۷۰۰)

در مجموع: ۱۳۲ مورد (۴/۸۳٪)

ج: اغراق: ۷۲ مورد (۲/۶۳٪)

موجها دیدی که چون خیزد ز دریا هر زمان
سیل خون از چشم خاقانی چنان انگیختی
(دیوان / ۶۶۸)

د: تناسب: ۲۰۷ مورد (۷/۵۸٪)

هر دمت خاقانی از چشم و زبان گنجی دهد
نام خاقانی به گوش دوستان چون نشنوی
(دیوان / ۶۹۲)

در شش مورد عناصر اربعه یکجا و در کنار هم آمده است.

طوفان آب و آتش بر باد داد خاکم
زین هست نیست مویی طوفان چه خواست گویی
(دیوان/ ۶۸۱)

ه: حسن تعلیل: ۴۷ مورد (۱/۷۲٪)

ماتم عمر رفته خواهم داشت زان سیه جامه ام چو میغ از تو (دیوان/ ۶۵۵)

ی: حس آمیزی: ۴ مورد - ۰/۱۴٪

هوا پر خنده شیرین صبح است
بیبار آن گریه تلخ صراحی
(دیوان/ ۶۹۹)

۴. بازتاب تعبیرات عامیانه در غزلیات خاقانی

برخی از ابیات لحن عامیانه و جنبه مردمی دارند و رابطه بین معقول و محسوس آشکار است. در غزل خاقانی فرهنگ و باورهای مردمی جایگاهی ویژه دارد که از خلال آن می‌توان بسیاری از آداب و رسوم و شیوه زندگی و اصطلاحات متداول میان مردم آن روزگار را شناخت. تعداد ۲۵ مورد (۰/۹۱٪) عباراتی مثل: آب زیر کاه، چرب زبان، کار سکه بودن و ...

از مکن گفتن زبانم موی شد
او هنوز از جور مویی کم نکرد
(دیوان/۵۸۱)

- ضرب المثل: ۵ مورد - ۰/۱۸٪

گفتی که بجوی تا بیایی
جستیم و نیافتیم تدبیر
(دیوان/۶۱۸)

۵. انسجام متن در محور عمودی:

انسجام ابیات غزل از نظر معنی که در بردارنده منظوری واحد است در غزلیات خاقانی رعایت شده است.

-مناظره (گفت و شنود) (disputation): مبتنی بر پرسش و پاسخ است، سوالات و سخنان دو طرف در عین زیبایی و لطافت و جوابها ادیبانه گفته شده است. خاقانی در توصیف دستی توانا دارد و مناظره و صحنه‌های مختلفی را با دقت و ذکر جزئیات به صورت موثری بیان کرده است. تعداد ۴۵ مورد مناظره (۱/۶۴٪) در غزل خاقانی دیده میشود.

گفتم چه شود که من شوی تو
گفتا که تو من شو ار توانی
گر من تو شوم تو نیست گردی
اما تو چو من شوی بمانی
(دیوان/۶۹۶)

(ج) سطح فکری: (meditation level)

۱. مضامین عاشقانه

مهمترین درونمایه غزلیات خاقانی عشق مجازیست. از تعداد ۳۳۹ غزل او جز ۳ مورد، در بقیه غزلها معشوق زمینی است که برخاسته از تخیل شاعر در مضمون پردازای است. شاعر نماینده خود ملت است که در مقابل معشوقی جفاکار که رمز آرزوها و امیدهای بر باد رفته است مدام در حال فراق و انتظار بسر میبرد؛ وصالی در کار نیست، نقشی از وفا و مردمی به چشم نمیخورد، رقیبان هر یک به حيله ای مشغولند و معشوق روز به روز جفاکارتر، پیمان شکنتر و خون ریزتر میشود البته گاه مقام معشوق در غزل خاقانی حقیر است.

وصلت اندیشه چون کنم کامروز
دولت از ناکسان به کس نرسد
(دیوان/۵۹۱)

-شکایت از معشوق :

از بررسی غزلیات او چنین برمیآید که وی فردی حساس و زود رنج بوده است شاید دلیل مفاخرات او و همچنین کاربرد الفاظ پرطمطراق در غزلیاتش بنا به اعتقاد برخی محققان از اوضاع زندگی او در کودکی و عقده حقارتی که در دوران کودکی بر او غالب بوده نشأت میگیرد. بسیاری شکایت، گوناگونی تاثرات و انفعالات روحی او را نشان میدهد. در ۲۵ مورد (۰/۹۱٪) به شکایت از معشوق پرداخته است.

مرا به نیم کرشمه بکشتی ای کافر
فغان ز کفر تو آه از ین سبک دستی
(دیوان/۶۹۰)

-جور و جفا : ۴۰مورد - ۱/۴۶٪

گیر که من نیستم شو ز خود انصاف ده
تا به جهان کس شنید از تو جفا جوی تر
(دیوان/۶۱۹)

-بی وفایی معشوق : ۳۷ مورد - ۱/۳۵٪

از جفا تا او چهار انگشت بود
از وفا تا عهد صد فرسنگ داشت
(دیوان/۵۵۶)

گفته بودی که تمامم بوفدا
برو ای شوخ که بس مختصری
(دیوان/۶۹۰)

-پربشانهالی عاشق : ۲۲ مورد - ۰/۸٪

مرا در درد ناپرسان مپرس از من که سرستهجه شبها زنده می دارم چه تبها می برم
باری(دیوان/۶۹۳)

- بد اخلاقی معشوق : ۳۲ مورد - ۱/۱۷٪

بر سر من نامده است از تو جفاجوی تر
در همه عالم تویی ، از همه بدخوی تر
(دیوان/۶۱۹)

-عهدشکنی معشوق : ۱۸ مورد - ۰/۶۵٪

ز من گسستی و با دیگری بیبوستی
مرا درست شد اکنون که عهد بشکستی
(دیوان/۶۹۰)

-افسوس و یاس عاشق : ۳۴ مورد - ۱/۲۴٪

خاقانیا درخت وفا کاشتن چه سود
چون بر جفا دهد ز وفایی که کاشتی
(دیوان/۶۸۰)

-ستمگری معشوق :

نی چون من است در همه عالم ستمکشی
نی چون تو هست در همه گیتی ستمگری
(دیوان/۶۸۲)

-جنگجویی معشوق : ۳۴ مورد - ۱/۲۴٪

گرگ آشتی است روز و شب را
و آن بت شب و روز جنگجوی است
(دیوان/۵۵۶)

-پشیمانی عاشق : ۳ مورد - ۰/۱٪

خطا کردم که دل دادم به دستش
پشیمان باد عقلم زین خطاها
(دیوان/۵۵۳)

-غم و اندوه در فراق یار: ۶۳ مورد - ۲/۳٪

در غزلیات خاقانی معشوق یا یک امر حقیقی است که بر اثر شرایط اجتماعی دیدن او مشکل است (مانند پری) و از این رو از فراق و هجران او سخن رفته؛ یا یک امر اجتماعی است؛ که شاعر بر اثر دست نیافتن به آرزوهای خود او را مطرح میکند و از جور و ستم و فراق او ناله سر میدهد. تحت چنین نظامی معشوق میباید حتما جفاکار و هجران آفرین باشد و همواره مورد آرزو و تمنا بوده است.

به امید تو بسا شب که به روز کردم از غم
تو چرا نسیمت از من به سحر دریغ داری
(دیوان/۶۸۰)

-توصیف جمال معشوق : ۳۴ مورد - ۱/۲۴٪

در توصیفات خاقانی معشوق آینه تمام نمای زیباییست، بطوری که با خواندن غزل او میتوان تصویر روشنی از چهره معشوق در ذهن مجسم کرد.

تیرقدی کمانکشی زهره رخی ومهوشی
جانت فداکه بس خوشی جان وجهان کیستی
(دیوان/۶۹۷)

-نیاز عاشق و بی نیازی معشوق : ۳۴ مورد - ۱/۲۴٪

عاشق همواره در مقام نیاز است و معشوق در مقام ناز و مورد آرزو و تمنا؛ عاشق تسلیم معشوق و درآرزوی وصال اوست.

ما آستین ناز تو از دست کی دهیم
چون دامن نیاز به دست تو داده ایم
(دیوان/۶۴۵)

تواضع عاشق در مقابل معشوق : ۵۰ مورد - ۱/۸۳٪

عاشق در مقابل معشوق فروتن است، در وصال او ناکام و همواره تسلیم اوست و خود را گدا، سگ کوی او و ... میداند.

دوشم لقبی دادی ، کمتر سگ کوی خود	من کیستم از عالم تا این خطر م بخشی (دیوان/۶۶۸)
-خودستایی و مفاخره : ۱۲ مورد - ۰/۴۴٪	نشناختی توقیمت ما از سرجفا (دیوان/۵۵۲)
امروز تو را مسلم آمد	در ملک سخن خدایگانی
هم نام تو خالق الکلام است	هم نعت تو خالق المغانی (دیوان/۶۹۶)

غزل مدحی :

گاه قهرمان غزل یعنی ممدوح با معشوق یکی شده ، ازلی و ابدی میشود و به اسطوره نزدیک میگردد ؛ ناگفته نماند که در عرصه غزل مدحی ظاهرا اولین کسی که به این کار اقدام کرد خاقانی بود .

او را نظیر هست بخوبی در این جهان
خاقان اکبر است که او را نظیر نیست
(دیوان/۵۶۱)

۲. مضامین عارفانه : ۴۰ مورد - ۱/۴۶٪

از آنجا که خاقانی در اواخر عمر خود بعد از سفر آخر حج تصمیم میگیرد که از دنیا و مادیات آن کناره گیری کند و به زهد و تقوا پردازد ، گاهی در غزلیات ، اصطلاحات و تعبیرات عرفانی مانند : حیرت ، توبه ، فنا ، پرده غیب ، سجاده ، تسبیح و ... را مشاهده میکنیم ؛ غزلهای عرفانی تعدادشان بسیار کم است و در موارد زیر تجلی یافته است .

-قلندری : ۲۶ مورد - ۰/۹۵٪

سرشک من برقص افتاد بر نطع زر از شادی
چو جانم در سماع آمد که یارب وصل یارست این
(دیوان/۶۵۴)

- عشق حقیقی : ۷ مورد - ۰/۲۵٪

باقی آن گاهی شوم کز خویشتن یابم فنا
مرده اکنونم که نقش زندگی دارم کفن
(دیوان/۶۵۳)

- تظاهر به باده نوشی :

در بین غزلها گاه وصف رندی ، باده نوشی و تظاهر به می پرستی و بی دینی و اغراق در اتصالات به لابلالی گری ، تعریض و کنایه به زاهدان و گاه صوفیه به طرز چشم گیری بیان شده است .

دو قبله نیست روا یا صلاح یا باده
سر صلاح ندارم سبوی باده بیار
(دیوان/۶۲۰)

۳. مضامین اخلاقی و اجتماعی

شاعر گهگاه افکار و آراء و نصایح خود را با زبانی شاعرانه بیان میکند . مضامینی که آمیخته با چاشنی عرفان است و در قالب مفاهیم زیر بیان شده است :

-صبر : ۲ مورد -۰/۰۷٪

خاقانی اگر یار نیابی چه کنی صبر
کاین دولت از ایام به ایام توان یافت
نامت نشود تا نشوی سوخته عشق
کز داغ پس از سوختگی نام توان یافت
(دیوان/۵۶۵)

-قناعت : ۴ مورد -۰/۱۴٪

با این همه به یک نظر از دور قانعم
چون روزی از قضا و قدر این قدر رسید
(دیوان/۶۰۹)

-پند و اندرز : ۲ مورد -۰/۰۷٪

دلجویی کن که نیکوان را
دلجویی رسم باستانی است
(دیوان/۵۶۶)

۴. مضامین فلسفی و کلامی : ۲۰ مورد -۰/۷۳٪

خاقانی متدین به مذهب اهل سنت و دینداری متعصب بود ؛ از این رو فلسفه و معقولات عقلی را در برابر مسائل کلامی و اعتقادی بی ارزش می‌شمارد . در قرن ششم نزاع بین معتزله و اشاعره بوجود آمد و این بر اندیشه شاعر بی تاثیر نبود و در مواردی به مضامین زیر که بی شباهت به اندیشه های خیامی نیستند ، توصیه میکند. اصطلاحاتی مانند ازل ، عدم ، وجود ، قدیم در غزل او دیده میشود .

گر عالم محدث است گو باش
ما باری عاشق قدیمیم
(دیوان/۶۲۹)

-گذرا بودن عمر : ۹ مورد -۰/۳۲٪

دل بر امید وعده او چون توان نهاد
چون عمر پایدار و فلک دستگیر نیست
(دیوان/۵۶۱)

-باده نوشی (برای رفع غم) : ۳۵ مورد -۱/۲۸٪

آفاق ز سبزه تـازـه روی است
اکنون که بهار نافه بوی است
(دیوان/۵۶۶)

بر تو بتوان بر جهان نتوان نهاد
(دیوان/۵۸۵)

صد را فرو بری و یکی را برآوری
(دیوان/۶۸۳)

از تر و از خشک مرغزار برداخت
(دیوان/۵۷۲)

والله که هر آنچه رفت سوداست
(دیوان/۵۶۳)

آری همه بلای بد آیاد بر قضا
(دیوان/۵۵۲)

گفتم منم یگانه و او خود یگانه بود
نزدیک اهل معرفت این خود فسانه بود
کرد آنچه خواست آدم خاکی بهانه بود
(دیوان/۶۱۶)

می خور که جهان حریف جویست
بر عیش زدند ناف عالم

-فریبکاری و ناپایداری جهان :

بر جهان گفتمی که دل باید نهاد

خوی زمانه داری و زان هر زمان چون او

-تقابل عقل و عشق : ۹ مورد - ۰/۳۲٪
عشق تو در مرغزار عقل زد آتش

- سوگند خوردن : ۱۴ مورد - ۰/۵۱٪
بالله که خطاست هر چه گفتم

- قضا و قدر :

ما را قضای بد به بلای تو در فکند

- جبر : ۱۲ مورد - ۰/۴۴٪

آدم ز خاک بود و من از نور پاک او
گویند عالمان که نکردی تو سجده ای
میخواست او نشانه لعنت کند مرا

-نتیجه

غزل خاقانی آئینه تمام نمای احساسات لطیف و انفعالات روحی شاعر است ؛ اینکه چگونه با ترکیب سازی ها و تصویر آفرینی های بدیع و بی سابقه احساسات درونی خود را به بهترین شیوه منعکس میکند ، از او شاعری صاحب سبک ساخته است . غزل سرایی شیوه خاص او نیست ؛ از اینرو زبان غزل او فراز و فرود بسیار دارد . شعر او به لحاظ دشوار بودن ، وصف خورشید ، صبح و آتش ، مفاخره و ستایش خود ، تلمیح به رسوم و فرهنگ عامه ، تلمیح به سنن مسیحی ، تلمیح به مسائل علمی (نجومی - طبی) تشخیص خاصی دارد . آزادگویی و وارستگی در غزل خاقانی عرضی است و

تکلف در شعر او دیده میشود؛ در این پژوهش غزلیات خاقانی با نگاهی سبک‌شناسانه و از بعد زبانی، ادبی و فکری بررسی و ارزیابی شده است.

- **جنبه زبانی:** اگرچه بویژه در غزل میتوان خاقانی را از گویندگان سبک خراسانی به شمار آورد اما شیوه تعبیر و ممیزات سخنش او را از صف گویندگان این سبک دور میکند و در نوعی سبک‌عراقی به نام سبک ارانی قرار میدهد لغات خاصی در شعر خاقانی وجود دارد که به لحاظ بسامد و تشخص و غرابت یکی از مهمترین مسائل سبک‌شناسی است. از بحر هزج که جزء اوزان بلند، سنگین و پر استعمال شعر فارسی است زیاد استفاده کرده است. قافیه‌ها را عموماً ساده و ردیفها را بیشتر فعلی برگزیده است؛ در ترکیب‌سازی چهره‌ای برجسته و شاخص است، معانی بسیار را در لفظ اندک گنجانده و این باعث ایجاز ابیات و برجسته‌سازی زبان غزل و البته دشواری فهم شعرش گشته است با انواع تکرارها، جناسها و ... که برخاسته از طبع توانمند اوست، بر موسیقی درونی شعرش افزوده است.

- **جنبه ادبی:** آنچه در وهله اول در غزل خاقانی به نظر میرسد اقتدار او در سخنوری است بطوریکه با کمال اطمینان از قدرت خود در سخنوری شعر را به صورت مسجع سروده است. باید گفت که در بدیع غزلیاتش مجموعه‌ای از صنایع نخبه لفظی و معنوی است چنانکه یادآور شعر حافظ است. به لحاظ ادبی تکیه اصلی شاعر بر تشبیه است و در مراحل بعد بر استعاره و تلمیح و سپس اغراق؛ توصیفات زیبا و متعددی که از صبح و بعد آتش و مجالس می و باده نوشی نموده بیانگر قوت تخیل شاعر است.

- **جنبه فکری:** شاعر بیشتر به مضامین عاشقانه پرداخته که پر رنگ‌ترین بخش و درونمایه اصلی غزلیات او را تشکیل میدهد؛ هر چند غزل عاشقانه تکراریست و نکته تازه‌ای ندارد، در عین حال اصول کلی اخلاقی تبلیغ میشود همچنین غزلهایش خالی از مضامین فلسفی، کلامی و عرفانی نیست و این از دریافتهای واقع‌گرایانه و احساسی او حکایت دارد.

منابع:

۱. از زبان شناسی به ادبیات. صفوی، کوروش، جلد اول نظم. تهران: سوره مهر. چاپ سوم، ۱۳۸۳
۲. آتش اندر چنگ (گزیده‌ای از دیوان خاقانی شروانی). ماحوزی مهدی، خاشع. چاپ اول، ۱۳۸۳
۳. بررسی منشا وزن شعر فارسی. وحیدیان کامیار، تقی، مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۶
۴. بیان و معانی. شمیسا، سیروس، تهران: فردوس. چاپ هشتم، ۱۳۸۳
۵. تصویرگری با شکل واج و واژه، مختصه‌ای سبکی در قصاید خاقانی. مرتضایی، سیدجواد و رعیت حسن آبادی، علیرضا، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ششم. شماره سوم. ۱۳۹۲. صص ۴۳۵ تا ۴۵۱.

۶. دیوان خاقانی شروانی . خاقانی ، افضل‌الدین بدیل. به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی ، تهران : زوار ۱۳۸۸
۷. سبک‌شناسی شعر . شمیسا ، سیروس ، نشر میترا. چاپ سوم از ویرایش دوم، ۱۳۸۶
۸. سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو . غلامرضایی ، محمد ، تهران : جامی. چاپ اول، ۱۳۸۱
۹. سخن و سخنوران . فروزانفر ، بدیع‌الزمان ، چاپ دوم . تهران : انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰
۱۰. سیرغزل در شعر فارسی . شمیسا ، سیروس، تهران : انتشارات فردوس. چاپ چهارم، ۱۳۷۳
۱۱. سیری در شعر فارسی، زرین کوب، عبدالحسین ، چاپ چهارم، انتشارات سخن ، ۱۳۸۴
۱۲. صور خیال در شعر فارسی . شفیعی کدکنی ، محمدرضا ، تهران : انتشارات آگاه. چاپ یازدهم، ۱۳۸۶
۱۳. کلیات سبک‌شناسی . شمیسا ، سیروس ، تهران : انتشارات فردوسی. چاپ چهارم ، ۱۳۷۵
۱۴. موسیقی شعر . شفیعی کدکنی ، محمدرضا ، تهران : انتشارات آگاه. چاپ دهم، ۱۳۷۳
۱۵. نگاهی تازه به بدیع . شمیسا ، سیروس ، تهران : فردوس. چاپ دهم، ۱۳۶۸